

## بررسی ایراد عدم احراز سمت دادخواست‌دهنده در قانون آیین دادرسی مدنی

علی اصغر کریمی<sup>۱</sup>

### چکیده

موضوع ایرادات وارد بر دعوی یکی از مباحث مهم دادرسی‌های مدنی است که در مواد ۸۴ و بعد از قانون آیین دادرسی مدنی کشور ما مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. از آنجایی که وجود ایراد در دعوی به عنوان یک مسئله شکلی اغلب باعث عدم رسیدگی دادگاه به ماهیت دعوی و در نتیجه جلوگیری از صدور حکم شده و نهایتاً چنین پرونده‌هایی با صدور قرار رد دعوی بایگانی خواهند شد لذا توجه به آن و سعی در طرح دعوی بدون ایراد برای خواهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مهم‌ترین ایرادات، ایراد عدم احراز سمت دادخواست‌دهنده است. علت وجود چنین ایرادی امکان طرح دعوی در دادگاه به نمایندگی از سوی خواهان تحت عناوین وکالت، ولایت، قیمومیت و غیره است. بدین ترتیب برای جلوگیری از مطرح شدن این ایراد باید دادخواست‌دهنده نسبت به ارائه مدارکی به دادگاه که سمت نمایندگی او را در طرح دعوی به نیابت از خواهان نشان می‌دهند، توجه خاص مبذول نماید.

در قانون آیین دادرسی مدنی قدیم ضمیمه نکردن مدارک مربوط به چگونگی سمت دادخواست‌دهنده (که سمت ادعایی وی از آن احراز شود) به دادخواست، از موارد نقص دادخواست محسوب می‌شد و لذا دفتر دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر به دادخواست‌دهنده بدوی اخطار می‌نمودند تا نسبت به رفع نقص گفته شده اقدام نماید که در صورت عدم اقدام به‌ناچار قرار رد دادخواست و یا دعوی بدوی را صادر می‌نمودند. لیکن در قانون آیین دادرسی جدید دادگاه‌ها (خصوصاً دادگاه تجدیدنظر) در این مورد مکلف به بررسی و ارسال اخطار رفع نقص نشده‌اند و لذا ممکن است نقض مذکور در مرحله بدوی مانع از صدور حکم و در نتیجه صدور قرار رد دعوی شود و در مرحله تجدیدنظر نیز ممکن است دادگاه تجدیدنظر با تشخیص نقص (ایراد) مذکور، حکم بدوی (صادر شده به نفع خواهان) را نقض و قرار رد دعوی بدوی را به لحاظ عدم احراز سمت دادخواست‌دهنده به صورت قطعی صادر نماید که اتخاذ این تصمیمات از

۱- عضو هیات علمی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

سوی دادگاه‌ها بدون اعلام قبلی نقص مذکور به دادخواست‌دهنده جهت رفع احتمالی آن امری غیر منطقی و ناعادلانه به نظر می‌رسد.

این مقاله پژوهشی است در رابطه با چگونگی ایراد عدم احراز سمت و مقایسه بین قوانین جدید و قدیم آیین دادرسی مدنی در رابطه با ایراد مذکور و در خاتمه ارائه پیشنهاداتی به منظور جبران نقص قانون آیین دادرسی جدید تا هنگام اصلاح و تکمیل آن.

#### واژگان کلیدی:

خواهان - دادخواست‌دهنده - سمت - ایراد - اخطار رفع نقص - قرار رد دعوی - دادگاه بدوی - دادگاه تجدیدنظر

موضوع ایرادات وارد بر دعوی یکی از مباحث مهم دادرسی‌های مدنی است که در مواد ۸۴ و بعد ق.آ.د.م<sup>۱</sup> مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است.

ایراد عدم احراز سمت دادخواست‌دهنده یکی از مهم‌ترین این ایرادات به شرح مندرج در بند ۵ ماده ۸۴ می‌باشد. مطابق این بند از ماده ۸۴ خواننده دعوی می‌تواند به کسی که به عنوان نمایندگی اقامه دعوی کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیومیت و سمت او محرز نباشد ایراد نماید.<sup>۲</sup>

در توضیح مطلب می‌توان گفت که علت وجود (ایجاد) چنین ایرادی امکان طرح دعوی به نمایندگی از صاحب دعوی (خواهان) تحت عناوین وکالت، قیومیت، تولیت و غیره ق.آ.د.م است. مطابق تبصره بند ۱ ماده ۵۱ ق.آ.د.م چنانچه دادخواست توسط وکیل تقدیم دادگاه شده باشد مشخصات وکیل نیز باید در دادخواست درج گردد. همچنین مطابق ماده ۵۲ این قانون در صورتی که هر یک از اصحاب دعوی عنوان قیم یا متولی یا وصی یا مدیر شرکت و امثال آن داشته باشد در دادخواست باید تصریح شود.<sup>۳</sup> مطابق ماده ۵۹ قانون مذکور اگر دادخواست توسط ولی، قیم، وکیل، و یا نماینده قانونی خواهان تقدیم شود باید رونوشت سندی که مثبت سمت دادخواست‌دهنده است به پیوست دادخواست تسلیم دادگاه گردد.

بدین ترتیب چنانچه شخصی که به نمایندگی از خواهان اقامه دعوی نموده است هنگام تقدیم دادخواست به تکالیف مذکور عمل نکند یعنی مشخصات کامل خود را در سطر سوم دادخواست قید نکرده و یا رونوشت مدرکی که نشان‌دهنده سمت اوست را ضمیمه دادخواست نکرده باشد قاضی دادگاه وظیفه دارد به استناد ماده ۶۶ ق.آ.د.م<sup>۴</sup> هنگام ملاحظه پرونده و قبل از تعیین وقت رسیدگی (مطابق ماده ۶۴ ق.آ.د.م) راسا به این امر توجه نموده و به دفتر دستور دهد که با صدور اخطار رفع نقص از وی (دادخواست‌دهنده) بخواهد تا مشخصات کامل خود را در دادخواست قید و یا مدرک مثبت سمت خود را ظرف مهلت مقرر به دادگاه تسلیم نموده و در صورت عدم اقدام به

۱-قانون آیین دادرسی مدنی

۲-البته باید توجه داشت که ایراد عدم احراز سمت از جمله ایراداتی است که می‌تواند از سوی هر دو طرف دعوی عنوان شود و لذا در ماده ۸۵ ق.آ.د.م آمده است که خواهان نیز می‌تواند نسبت به کسی که به عنوان وکالت یا ولایت یا قیومیت یا وصایت پاسخ دعوی را داده است و سمت او محرز نباشد اعتراض نماید. ضمانت اجرای پذیرش چنین ایرادی، عدم توجه و ترتیب اثر ندادن به دفاعیات و اظهارات شخص مذکور از سوی دادگاه در رسیدگی به پرونده خواهد بود. (آیین دادرسی مدنی - دکتر عبدالله شمس - نشر میزان - چاپ اول پاییز ۱۳۸۰ - ج ۱ - ص ۴۶۹.... شرح قانون آیین دادرسی مدنی - علی مهاجری - انتشارات گنج دانش - چاپ اول ۱۳۷۹ - ج ۱ - ص ۱۶۵)

۳-با توجه به عنوان سطر سوم دادخواست که "وکیل یا نماینده قانونی" است، چنانچه دادخواست توسط نماینده خواهان به دادگاه داده شده باشد باید مشخصات صاحب دعوی یعنی خواهان در سطر اول و مشخصات نماینده (وکیل یا قیم یا متولی یا وصی و غیره) در سطر سوم دادخواست نوشته شود.

۴-ماده ۶۶ ق.آ.د.م: در صورتی که دادخواست ناقص باشد و دادگاه نتواند رسیدگی کند جهات نقص را قید نموده، پرونده را به دفتر اعاده می‌دهد. موارد نقص طی اخطار به خواهان ابلاغ می‌شود، خواهان مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نواقص اعلام شده را تکمیل نماید وگرنه دفتر دادگاه به موجب صدور قرار، دادخواست را رد خواهد کرد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در همان دادگاه می‌باشد، رای دادگاه در این خصوص قطعی است.

موقع، دفتر قرار رد دادخواست او را صادر نماید. همچنین بعد از شروع رسیدگی نیز چنانچه مدارک مربوط به سمت دادخواست‌دهنده اشکال داشته باشد خوانده دعوی حق دارد مطابق بند ۵ ماده ۸۴ ق.آ.د.م به آن ایراد و اعتراض نماید که در این صورت مطابق ماده ۸۸ ق.آ.د.م<sup>۱</sup> دادگاه مکلف است قبل از ورود در ماهیت دعوی - البته به شرطی که ایراد مطابق ماده ۸۷ ق.آ.د.م<sup>۲</sup> تا پایان اولین جلسه دادرسی عنوان شده باشد - تکلیف ایراد را مشخص نموده و در صورت صحت ایراد مطابق ماده ۸۹ ق.آ.د.م<sup>۳</sup> قرار رد دعوی را به لحاظ عدم احراز سمت دادخواست‌دهنده صادر نماید.

بنابراین در مرحله بدوی به هر حال سمت دادخواست‌دهنده مورد کنترل دادگاه قرار گرفته و چنانچه نامبرده مدرک سمت خود را ارائه نکرده یا مدرک مذکور ایراد و اشکال داشته باشد قبل از شروع رسیدگی، به دستور دادگاه از طریق دفتر به دادخواست‌دهنده اخطار رفع نقص می‌شود تا دادخواست خود را تکمیل نماید و در صورت عدم تکمیل دادخواست از سوی وی قرار رد دادخواست صادر می‌شود و بعد از شروع رسیدگی نیز با ایراد به این موضوع از سوی خوانده و یا حتی بدون ایراد خوانده، چنانچه دادگاه راسا متوجه ایراد سمت دادخواست‌دهنده شود<sup>۴</sup> قرار رد دعوی صادر خواهد شد.<sup>۵</sup>

۱- ماده ۸۸ دادگاه قبل از ورود در ماهیت دعوی، نسبت به ایرادات و اعتراضات وارده اتخاذ تصمیم می‌نماید. در صورت مردود شناختن ایراد، وارد ماهیت دعوی شده و به آن رسیدگی خواهد نمود.

۲- ماده ۸۷: ایرادات و اعتراضات باید تا پایان جلسه اول رسیدگی به عمل آید مگر آن که سبب ایراد متعاقبا حادث شود.

۳- ماده ۸۹: دادگاه در سایر موارد یاد شده در ماده ۸۴ (از جمله بند ۵ ماده مذکور تحت عنوان: کسی که به عنوان نمایندگی اقامه دعوی کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیومیت و سمت او محرز نباشد) دادگاه قرار رد دعوی را صادر می‌نماید.

۴- بعضی از ایرادات جنبه امره دارند و ذر آن موارد بدون این که خوانده ایراد کند دادگاه تکلیف دارد که به آن مورد توجه نماید مثل... ایراد عدم احراز سمت اصحاب دعوی... (آیین دادرسی مدنی - دکتر سید جلال‌الدین مدنی - انتشارات پایدار - چاپ اول دوره جدید سال ۱۳۷۹ - ج ۲ - ص ۴۵۵) چنانچه سبب ایراد از موضوعاتی باشد که مربوط به نظم عمومی و از قواعد امره است وظیفه دادگاه توجه به آن و صدور رای مقتضی است و ایراد خوانده (و یا خواهان) بیشتر جنبه تذکر دارد (آیین دادرسی مدنی - دکتر عبدالله شمس - نشر میزان - چاپ اول پاییز ۱۳۸۰ - ج ۱ - ص ۴۹۴) استناد به بعضی ایرادات که جنبه امره دارند به عهده دادگاه نیز گذاشته شده است - شق ۱ ماده ۱۹۷ - کلیه شقوق ماده ۱۱۸ و ماده ۲۰۲ ق.آ.د.م قدیم (آیین دادرسی مدنی - سازمان قضایی و صلاحیت - مرحوم دکتر جواد واحدی - خلاصه تقریرات - انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - سال ۵۴-۱۳۵۲ - ص ۶۲)

۵- به عنوان نمونه دو فقره از آراء دادگاه‌ها که در رابطه با صدور قرار رد دعوی به علت عدم احراز سمت دادخواست‌دهنده صادر گردیده است ذیلا آورده می‌شود: (دادنامه ۳۶۳ مورخ ۷۳/۶/۱۹ شعبه اول دادگاه حقوقی یک تهران)... آقای فتح الله (وکیل دادگستری) با ضمیمه نمودن وکالتنامه شماره ۲۳۸۸ کانون وکلای دادگستری مرکز که به آقای علی اکبر تنظیم نموده و همچنین فتوکپی مصدق وکالتنامه رسمی ۸۹۸۸۲ مورخ ۶۴/۱۰/۱۲ دفترخانه... تهران که بین آقایان علی اکبر و غلامرضا تنظیم گردیده مبادرت به اقامه دعوی (خلع ید و قلع بنا) نموده است. به موجب وکالتنامه ۸۹۸۸۲ به وکیل (علی اکبر) اختیاراتی همچون مراجعه به ثبت - شهرداری - دارایی و سایر مراجع برای فراهم نمودن مقدمات صدور پروانه ساختمانی در پلاک ثبتی ۲/۲۱۴۳ و نیز احداث بنا اعطا شده است اما اختیار طرح و اقامه دعوی در مراجع قضایی آن هم از نوع خلع ید و قلع بنا در آن ملاحظه نمی‌شود. با توجه به مراتب مذکور از آن جا که سمت وکیل دادخواست‌دهنده نزد دادگاه محرز نیست لذا به استناد بند سوم از ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی وی صادر و اعلام می‌شود... (دادنامه ۶۶۷ مورخ ۷۳/۷/۲۰ شعبه اول دادگاه حقوقی یک تهران)... اساسا چون وکالتنامه ۳۶۷۳۸ (کانون وکلای دادگستری مرکز) دلالتی بر اعطای وکالت از جانب آقای ابراهیم (خواهان ردیف دوم) به وکیل طرح‌کننده دعوی (آقای ابوالفضل) ندارد. دادگاه آقای ابوالفضل را در مورد خواهان ردیف دوم (آقای ابراهیم) فاقد سمت تشخیص داده و با لحاظ بند ۳ ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی مطروحه را صادر و اعلام می‌دارد... نقل از: گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی - گردآوری و تدوین محمدرضا کامیار - نشر حقوقدان - چاپ اول پاییز ۱۳۷۶ - مجموعه سوم - صفحات ۲۲ و ۳۳.

و اما مشکل اساسی در این موضوع هنگامی است که پرونده با وجود اشکال و ایراد در مدارک مربوط به سمت دادخواست دهنده به هر صورت در دادگاه بدوی مورد رسیدگی قرار گرفته و منجر به صدور حکم به نفع خواهان شده لیکن در مراحل بعدی رسیدگی مانند دادگاه تجدیدنظر این امر معلوم گردد و آن‌ها متوجه شوند مثلاً مدرکی که سمت دادخواست دهنده را نشان دهد ضمیمه دادخواست نشده و یا مدرک مذکور ایراد و اشکال داشته و سمت ادعایی وی و یا حق انجام اقدامی که نموده است از آن احراز نمی‌شود که در این‌جا مطابق ق.آ.د.م دادگاه تجدید نظر ظاهراً تکلیفی به اقدام جهت رفع مشکل (رفع نقص) نداشته بلکه می‌تواند مطابق قسمت ذیل ماده ۳۵۰ این قانون بدون هیچ‌گونه اخطار قبلی به دادخواست‌دهنده و درخواست رفع نقص و ایراد مورد نظر از وی، ضمن نقض حکم، قرار رد دعوی بدوی را به لحاظ عدم احراز سمت دادخواست‌دهنده صادر نماید<sup>۱</sup> و چون این قرار قطعی نیز هست لذا انجام چنین کاری از سوی دادگاه تجدیدنظر بسیار ناعادلانه و غیر منصفانه است زیرا در جایی که چنین ایرادی در مرحله بدوی وجود نداشته و یا مطرح نبوده و اگر وجود نیز داشته دادگاه مذکور متوجه آن نشده و یا خوانده نیز وجود چنین ایرادی را به دادگاه بدوی تذکر نداده و ایراد نگرفته است، عادلانه نیست دادگاه تجدیدنظر که خود متوجه چنین ایرادی شده است بدون تذکر آن به دادخواست‌دهنده و درخواست رفع نقص از وی، حکم صادره به نفع خواهان را نقض و پرونده او را با صدور قرار رد دعوی بایگانی نماید. خصوصاً اینکه در مورد سایر ایرادات و اشکالاتی که در پرونده وجود داشته و دادگاه تجدیدنظر متوجه آن‌ها شود قضیه به این صورت نبوده بلکه در این موارد دادگاه تجدیدنظر مطابق صدر ماده ۳۵۰ ق.آ.د.م مکلف به ارسال اخطار رفع نقض برای

۱-البته باید توجه داشت که در تمام مراحل یعنی چه در مرحله بدوی و چه در مرحله تجدیدنظر قرار رد دادخواست یا دعوی بدوی در مواردی صادر می‌شود که اصل و اساس مدرک سمت دادخواست دهنده ایراد داشته باشد مانند اینکه وکالت‌نامه وکیل مطابق مواد ۳۱ و بعد ق.آ.د.م به طور صحیح تنظیم نشده و غیر قابل قبول باشد مثلاً موکل آن را امضا نکرده باشد و یا اختیار وکیل برای مراجعه به مراجع قضایی و طرح دعوی در آن ذکر نشده باشد و الاً چنانچه وکالت اساساً صحیح بوده لیکن اختیارات ریز وکالتی به شرح مواد ۳۵ و ۳۶ ق.آ.د.م ذکر نشده باشد این موارد از موجبات صدور قرار رد دادخواست و یا دعوی در مرحله بدوی و یا نقض حکم صادره از مرحله بدوی و صدور قرارهای مذکور در مرحله تجدیدنظر نخواهد بود بلکه در این موارد اقدامات وکیل فقط در آن قسمت که فاقد اختیار بوده است زیر سوال رفته و بنا به هر مورد دادگاه تصمیم مقتضی جهت ابطال و یا نادیده گرفتن اقدامات وکیل در آن قسمت خاص اتخاذ خواهد نمود مانند اینکه وکیل بدون داشتن حق صلح و سازش اقدام به این کار نموده و یا بدون داشتن حق استرداد دادخواست آن را مسترد کرده باشد و یا بدون داشتن حق تجدیدنظرخواهی و یا فرجام‌خواهی از حکم بدوی درخواست تجدیدنظر و یا فرجام کرده باشد. به عنوان مثال شعبه ۴ دیوان عالی کشور در رای شماره ۱۹۶۴-۱۰/۲۶-۱۳۳۴/۱۰ به شرح زیر نظر به رد دادخواست فرجام‌خواهی وکلی داده است که در وکالتنامه او به داشتن حق فرجام‌خواهی تصریح نشده است:

... چون اختیارات وکیل راجع به فرجام‌خواهی به دستور ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی (ماده ۳۵ قانون فعلی) باید تصریح شود و به موجب جمله اصلاحی، مقصود از تصریح ذکر موضوع می‌باشد بنابراین اگر در وکالتنامه پیوست دادخواست فرجامی، موضوع فرجام‌خواهی ذکر نشود دادخواست (فرجامی) رد می‌شود.

(نقل از: قانون آیین دادرسی مدنی در رویه قضایی - تدوین: سید محمدرضا حسینی - انتشارات مجد - چاپ اول ۱۳۸۰ - ص ۳۸)

دادخواست دهنده بدوی بوده و اگر نامبرده در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص نکرد آن وقت دادگاه تجدیدنظر خواهد توانست نسبت به نقض حکم بدوی و صدور قرار رد دعوی اقدام نماید.<sup>۱</sup> لازم به ذکر است که در ق.آ.د.م قدیم راه برای جلوگیری از ایجاد چنین مشکلی از ابتدا و هنگام تشکیل پرونده در دادگاه بدوی وجود داشت. بدین ترتیب که مطابق بند ۲ ماده ۸۴ قانون مذکور موارد نقض دادخواست شامل ضمائم و پیوست‌های آن نیز می‌شد یعنی در این بند از ماده ۸۴ قانون سابق علاوه بر ذکر بندهای ۳ تا ۶ از ماده ۷۲ به عنوان موارد توقیف دادخواست، به موارد ۷۴ تا ۷۷ قانون مذکور (که مربوط به ضمائم و پیوست‌های دادخواست بود) نیز اشاره شده<sup>۲</sup> لذا ضمیمه نکردن مدارکی که به استناد ماده ۷۶ باید پیوست دادخواست می‌شد (از جمله مدرک مربوط به سمت دادخواست‌دهنده) نیز جزء موارد نقض دادخواست محسوب و دفتر دادگاه مکلف به ارسال اخطار رفع نقص در این خصوص برای دادخواست‌دهنده بود.<sup>۳</sup> یعنی در این موارد نیز دفتر دادگاه بدوی مکلف به کنترل قضیه بود و در صورت کم و کسر بودن این مدارک و ضمائم باید ابتدا برای دادخواست‌دهنده اخطار رفع نقص می‌فرستاد تا اگر وی از دادخواست رفع نقص نمی‌کرد آن وقت دفتر دادگاه مانع از جریان پرونده به صورت ناقص شده و از همان ابتدا قرار رد دادخواست او را صادر می‌نمود. بدین ترتیب پرونده به صورت ناقص به جریان نمی‌افتاد و منجر به صدور حکم نمی‌شد که بعدها در مراحل بالاتر ایجاد مشکل کند. همچنین مطابق ق.آ.د.م قدیم حتی اگر چنین اتفاقی نیز می‌افتاد یعنی دادگاه بدوی متوجه این ایراد نمی‌شد و پرونده منجر به صدور حکم می‌گردید و با اعتراض محکوم علیه به دادگاه تجدیدنظر می‌رفت دادگاه مذکور در صورت مطلع شدن از وجود ایراد عدم احراز سمت مطابق ماده ۵۱۵ مکرر ق.آ.د.م سابق ۴ ابتدا مکلف به صدور اخطار رفع نقص بود تا اگر دادخواست‌دهنده بدوی در مهلت مقرر

۱- ماده ۳۵۰: عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی موجب نقض رای در مرحله تجدیدنظر نخواهد بود. در این گونه موارد دادگاه تجدیدنظر به دادخواست دهنده بدوی اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید. در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست‌دهنده محرز نباشد دادگاه رای صادره را نقض و قرار رد دعوی بدوی را صادر می‌نماید.

۲- ماده ۸۴ ق.آ.د.م. (قدیم): در موارد زیر دادخواست قبول ولی برای اینکه به جریان بیفتد باید تکمیل شود:  
.....(الف)

(ب) وقتی که فقرات ۲-۳-۴-۵-۶ ماده ۷۲ و مقررات مواد ۷۴-۷۵-۷۶-۷۷ رعایت نشده باشد.

۳- بر عکس وضعیت فعلی که در بند ۲ ماده ۵۳ ق.آ.د.م جدید ضمیمه نکردن مدارک و پیوست‌های دادخواست و یا اشکال در ضمائم و پیوست‌های مذکور جزء موارد نقض ذکر نشده است.

۴- ماده ۵۱۵ مکرر ق.آ.د.م (قدیم): عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست بدوی و یا رفع نقایص آن در غیر موعد قانونی که مورد توجه دادگاه نخستین قرار نگرفته جز در موارد زیر قابل ترتیب اثر نیست. (الف) عدم رعایت ماده ۷۶ مگر آن که سمت دادخواست‌دهنده بعداً محرز یا کسی که صلاحیت دارد عمل نامبرده را تأیید و یا تنفیذ کرده باشد. (ب) عدم تادیه تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی. در مورد اول به دستور دادگاه، دفتر به دادخواست‌دهنده بدوی اخطار می‌کند تا ظرف پنج روز نقص موجود را رفع نماید و در صورت عدم رفع نقص در موعد مقرر دادگاه با فسخ حکم بدوی قرار رد دعوی را صادر می‌کند و در مورد دوم مقرر می‌دارد تا هزینه دادرسی از خواهان وصول شود.

اقدام به رفع نقص نمی‌کرد آن‌گاه حکم صادره را نقض و قرار رد دعوی بدوی را صادر می‌نمود. نکته جالب دیگر ق.آ.د.م قدیم اینکه در ماده ۵۱۵ مکرر آن تصریح شده بود که حتی اگر ایراد عدم احراز سمت وجود داشته باشد دادخواست‌دهنده بدوی بتواند در مرحله تجدیدنظر اقدام به رفع ایراد (رفع نقص) نموده و دادخواست خود را از این لحاظ تکمیل نماید و لذا در بند ۱ این ماده آمده بود: در صورت عدم رعایت ماده ۷۶<sup>۱</sup> در مرحله بدوی (که مربوط به مدارک سمت دادخواست‌دهنده بود) به دستور دادگاه تجدیدنظر دفتر دادگاه مذکور به دادخواست‌دهنده بدوی اخطار نماید تا نقص موجود را رفع نماید و تنها در صورت عدم رفع نقص دادگاه تجدیدنظر با فسخ حکم، قرار رد دعوی بدوی را صادر می‌نمود. به علاوه در این ماده قید شده بود که حتی اگر با وجود عدم رعایت ماده ۷۶ در مرحله بدوی بعدها نیز سمت دادخواست‌دهنده محرز و یا کسی که صلاحیت دارد عمل نامبرده را تایید و یا تنفیذ کرده باشد این کار قابل قبول بوده و مشکل ایراد احراز سمت اولیه حل شده تلقی می‌گردد.<sup>۲</sup>

لیکن ملاحظه می‌شود که در ق.آ.د.م فعلی ضمیمه نکردن مدارک و پیوست‌های دادخواست مانند مدرک سمت دادخواست‌دهنده (مثلاً وکالتنامه وکیل) مطابق ماده ۵۹ و یا حتی قید مشخصات وکیل که دادخواست داده است (تبصره بند ۱ ماده ۵۱) و یا تصریح به اینکه دادخواست را وکیل داده است (ماده ۵۲ ق.آ.د.م) در بند ۲ ماده ۵۳ جزء موارد نقص دادخواست ذکر نشده است تا دفتر دادگاه ملزم به صدور اخطار رفع نقص باشد و اگر دادخواست‌دهنده رفع نقص نکرد (مدرک سمت خود را ارائه نکرد) بتواند قرار رد دادخواست را به استناد ماده ۵۴ ق.آ.د.م<sup>۳</sup> صادر نماید. بنابراین ممکن است مثلاً وکیل فراموش کند وکالتنامه خود را ضمیمه دادخواست نماید و یا وکالتنامه تنظیمی ایراد داشته مثلاً امضای موکل را نداشته باشد یا امضای موکل به وسیله وکیل گواهی نشده باشد و غیره که در این قبیل موارد دفتر دادگاه بدوی نیز ممکن است توجهی به این قضیه نکند (چون مطابق بند ۲ ماده ۵۳ ق.آ.د.م جزء موارد نقص نیست) و دادخواست را به جریان بیندازد و خواننده نیز چه بسا عمداً و یا سهواً ایراد نگیرد و خود دادگاه بدوی نیز متوجه مشکل نشده و به هر حال پرونده منجر به صدور حکم به نفع خواهان

۱-ماده ۷۶ ق.آ.د.م. (قدیم): اگر دادخواست را وکیل داده باشد باید وکالتنامه وکیل و اگر قییم داده باشد باید قییم‌نامه و به طور کلی رونوشت سندی که مستند سمت دادخواست‌دهنده باشد باید پیوست دادخواست شود.

۲-با توجه به الحاقی بودن ماده ۵۱۵ مکرر در ق.آ.د.م قدیم به نظر می‌رسد قبل از الحاق این ماده در سال ۱۳۴۹ به قانون مذکور چنین مشکلی در ق.آ.د.م قدیم نیز وجود داشته است و قانونگذار قدیم با الحاق این ماده مشکل را رفع نموده لیکن معلوم نیست چرا قانونگذار جدید از تکرار آن در قانون جدید صرفنظر نموده است.

۳-ماده ۵۴ ق.آ.د.م (جدید): در موارد یاد شده در ماده قبل مدیر دفتر دادگاه ظرف دو روز نقایص دادخواست را به طور کتبی و مفصل به خواهان اطلاع داده و از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز به او مهلت می‌دهد تا نقایص را رفع نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر و در غیاب مشارالیه جانشین او صادر می‌کند رد می‌گردد.....

شود که در این جا اگر پرونده به علت تجدیدنظر خواهی محکوم‌علیه به دادگاه تجدیدنظر برود و دادگاه مذکور متوجه مشکل شود خواهد توانست بدون اخطار رفع نقص به خواهان بدوی، حکم صادره به نفع وی را نقض و قرار رد دعوی بدوی را به استناد ذیل ماده ۳۵۰ ق.آ.د.م به صورت قطعی صادر نماید یا حتی گاهی ممکن است واقعا مدارک سمت کامل باشد و پرونده از این لحاظ ایرادی نداشته باشد لیکن دادگاه تجدیدنظر بخواهد به بهانه وجود ایراد و اشکال در مندرجات آن و بدون اینکه مکلف باشد آن را به دادخواست‌دهنده تذکر داده و رفع مشکل را بخواهد، حکمی را که در مرحله بدوی از لحاظ ماهیتی صحیح صادر شده است، نقض و قرار رد دعوی بدوی را به صورت قطعی صادر نماید که این مسئله به هر حال زنگ خطری است برای امکان نقض حکم صادره از دادگاه بدوی در دادگاه تجدیدنظر به علت وجود ایراد عدم احراز سمت در دعاوی ای که دادخواست‌دهنده بدوی اصیل نبوده بلکه با سمت دادخواست داده باشد بدون اعلام ایراد مذکور توسط دادگاه تجدیدنظر<sup>۱</sup> به نامبرده جهت رفع آن (در صورت امکان).

به نظر می‌رسد علت ایجاد چنین مشکلی در ق.آ.د.م جدید، در مرحله بدوی انجام تغییرات و پس و پیش کردن مباحث مربوط به تکمیل دادخواست و رفع نواقص آن هنگام رونوشت مواد ق.آ.د.م قدیم برای ق.آ.د.م جدید و در مرحله تجدیدنظر رفع تکلیف از دادگاه تجدیدنظر در رابطه با صدور اخطار رفع نقص برای دادخواست‌دهنده بدوی به منظور رفع نقص از دادخواست توسط وی بوده است. بدین صورت که چون در ق.آ.د.م قدیم مبحث مربوط به موارد توقیف دادخواست (مواد ۸۴ و بعد این قانون) بعد از مبحث مربوط به ضامم و پیوست‌های دادخواست (مواد ۷۴ و بعد) آمده بود لذا در بند ۲ ماده ۸۴ قانون مذکور عدم رعایت مواد ۷۴ تا ۷۷ قانون نیز جزء موارد توقیف دادخواست ذکر شده بود که لازمه این رفع توقیف انجام اقدامات عنوان شده در این مواد و رفع نقص از دادخواست مطابق ماده ۸۵ بوده است لیکن در ق.آ.د.م جدید چون مبحث مربوط به توقیف و تکمیل دادخواست (مواد ۵۳ و بعد) قبل از مبحث مربوط به ضامم و پیوست‌های دادخواست (مواد ۵۷ و بعد) آمده است لذا عدم رعایت اقدامات گفته شده در این مواد از جمله ضمیمه نکردن مدارک مربوط به سمت دادخواست‌دهنده جزء موارد توقیف دادخواست ذکر نگردیده و لذا دفتر دادگاه ملزم به ارسال اخطاریه رفع نقص و دعوت از دادخواست‌دهنده برای ارائه مدارک مربوط به چگونگی سمت او نیست. البته در مرحله بدوی بدون قانونگذار جدید با گنجاندن ماده ۶۶ در ق.آ.د.م جدید (تکلیف دادگاه بدوی به کنترل دادخواست و دادن دستور رفع نقص از آن به دفتر در صورت مشاهده نقص) تا حدودی مشکل را رفع نموده است لیکن از

۱-به نظر می‌رسد برای به وجود نیامدن چنین مشکلی، بهتر است دادخواست اولیه را (در صورت امکان) خود اصیل به دادگاه بدهد و بعدا وکیل اعلام وکالت کند تا به فرض که ایرادی به سمت وکیل باشد به خود دعوی لطمه نزده و فقط موضوع پذیرش و یا عدم پذیرش وکیل مطرح شود.



آنجایی که معمولاً دادگاه‌ها هنگام وصول پرونده از دفتر جهت صدور دستور تعیین وقت، گزارش مدیر دفتر مبنی بر تکمیل بودن پرونده را قبول دارند لذا عملاً کنترلی بر این قضیه به استناد ماده ۶۶ ق.آ.د.م نداشته و مشکل گفته شده ایجاد می‌شود.

به هر حال به نظر می‌رسد در حال حاضر برای رفع مشکل به صورت اساسی باید ق.آ.د.م جدید را با استفاده از ق.آ.د.م قدیم اصلاح نمود<sup>۱</sup> و تا زمان انجام این کار نیز سعی شود در صورت امکان دادخواست اولیه خود را خواهان اصالتاً تقدیم دادگاه نموده و در مواردی نیز که اشخاصی مانند وکیل، قیم، وصی و غیره با سمت دادخواست می‌دهند کار خود را دقیقاً کنترل نموده و مدارک صحیح و مورد نیاز را ضمیمه پرونده نموده و به‌طور مرتب با دادگاه در ارتباط بوده تا شاید در صورت اطلاع از نظر دادگاه‌ها مبنی بر وجود نقص در مدارک مربوط به سمت دادخواست‌دهنده و قبل از هرگونه اقدام توسط آن‌ها جهت رد دادخواست، نسبت به ضمیمه نمودن مدارک مورد نیاز با هماهنگی دفتر دادگاه اقدام لازم به‌عمل آورند.<sup>۲</sup> ضمناً با توجه به مطالب گفته شده مطابق ماده ۶۶ ق.آ.د.م جدید دادگاه بدوی وظیفه دارد در صورت ملاحظه اشکال و ایراد در (مدارک) سمت دادخواست‌دهنده ابتدا از او درخواست رفع نقص و رفع اشکال نموده و اگر ایشان رفع نقص نکرد و یا اگر (در مواردی که خوانده ایراد عدم احراز سمت گرفته است) پاسخ قانع‌کننده به اشکالی که خوانده گرفته است را نداد، آن وقت قرار رد دادخواست و یا دعوی او را صادر نماید. لیکن در رابطه با دادگاه تجدیدنظر متأسفانه مشکل وجود دارد چون ماده ۵۱۵ مکرر ق.آ.د.م قدیم در ق.آ.د.م جدید تکرار نشده و لذا دادگاه تجدیدنظر می‌تواند در مورد تشخیص ایراد عدم احراز سمت بدون هیچ‌گونه اقدام مقدماتی از قبیل ارسال اخطار رفع نقص برای دادخواست‌دهنده، حکم تجدیدنظر خواسته را فسخ و قرار رد دعوی بدوی را به صورت قطعی صادر نماید که در صورت وقوع بسیار مشکل‌آفرین خواهد بود. بدین ترتیب لازم است برای این دادگاه نیز ضابطه‌ای همانند ماده ۵۱۵ مکرر ق.آ.د.م قدیم قرار داده شود تا دادگاه تجدیدنظر در صورت تشخیص ایراد سمت دادخواست‌دهنده بدوی مکلف باشد ابتدا وجود آن و رفع نقص مذکور را به وی تذکر داده و تنها در صورت عدم رفع نقص، دادگاه مذکور بتواند حکم تجدیدنظر خواسته را نقض و قرار رد دعوی بدوی را صادر نماید و اما راه‌حل عادلانه و منطقی که تا زمان اصلاح ق.آ.د.م می‌تواند تا حدودی رفع مشکل نماید. این است که دادگاه تجدیدنظر

۱- همچنان که ق.آ.د.م قدیم نیز ظاهراً در رابطه با همین موضوع اصلاح گردیده و ماده ۵۱۵ مکرر در سال ۱۳۴۹ و چندین سال پس از تصویب قانون آیین دادرسی مدنی به تصویب رسیده بود.

۲- خصوصاً در رابطه با وکالتنامه‌های توکیلی که معمولاً وکیل اول از وکلای دادگستری نیست و اختیارات کلی و عام در رابطه با موضوعات مختلف حقوقی دارد و اختیارات خاص وکالتی در رابطه با مسائل مربوط به مراجعه به دادگاه‌ها برای طرح شکایت و دعوی و نیز اقداماتی که انجام آن‌ها توسط وکیل دادگستری به شرح مواد ۳۵ و ۳۶ ق.آ.د.م نیاز به تصریح در وکالتنامه دارد در آن‌ها به‌طور کامل و به وضوح ذکر نمی‌شود.

با این فرض که بعید است پرونده در مرحله بدوی با وجود ایراد در سمت دادخواست‌دهنده بدون هیچ‌گونه توجهی به آن تا مرحله تجدیدنظر پیش رفته باشد لذا در صورت تشخیص چنین ایرادی می‌تواند دادخواست‌دهنده بدوی را جهت اخذ توضیح احضار و ضمن سوال از وی مدارک لازم جهت رفع ایراد مربوط به سمت را مطالبه نماید تا اگر پاسخ وی قانع‌کننده نبود و یا مدارک لازم را ارائه نکرد آن‌وقت دادگاه تجدیدنظر ضمن نقض حکم تجدیدنظر خواسته، قرار رد دعوی بدوی را صادر نماید.